

مکاتب اقتصادی و گفتمان عدالت

(گفتگو با حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی)

کلمه کاملاً ارزشی است. سوسیالیستها صحبت از برابری می‌کنند اما برابری لزوماً همان عدالت نیست. کارکردی هم که اقتصاد سوسیالیستی در طول هفتاد سال داشت ایجاد برابری نبود. به تعبیری می‌خواستند جامعه بی‌طبقه ایجاد کنند که چنین جامعه‌ای نیز ایجاد نشد. در گذشته گزارشی را دیدم که در کتاب «مبانی اقتصادی اسلام» هم آورده شده و آن اینکه حداکثر حقوق در اتحاد جماهیر شوروی سابق بین ۱ تا ۲۰ برابر تفاوت دستمزد بود؛ یعنی یک وزیر دولت جمهوری ۲۰ برابر یک کارگر معمولی حقوق داشت.

در اقتصاد سرمایه داری از نظر تئوری

● اندیشه حوزه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. با تشکر از این که قبول زحمت فرمودید و وقت خودتان را در اختیار مجله قرار دادید، با توجه به اینکه جناب عالی هم در مباحث اسلامی صاحب‌نظر هستید، و هم سالها به تحقیق و پژوهش در زمینه مکاتب اقتصادی مشغول بودید، فکر می‌کنید در مقایسه بین سه مکتب مهم اقتصادی در جهان (اسلام، سرمایه داری و سوسیالیزم) کدامیک از جهت نظری و عملی توانایی برقراری عدالت اقتصادی را دارند؟

■ حجة الاسلام مصباحی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عدالت یک

چیزی به عنوان عدالت وجود ندارد، از این رو برای افراد ناتوان از کار سهمی در نظر گرفته نشده است. نظریه معروف مالتوس که از اقتصاددانان کلاسیک است بر همین مبنا شکل می‌گیرد. او می‌گوید دولت نباید به نیازمندان و فقرا کمک کند چرا که کمک به فقرا موجب افزایش زاد و ولد آنها می‌شود، زاد و ولد آنها نیز موجب افزایش تعداد فقیران... و نهایتاً نتیجه می‌گیرد که دولت باید کمک‌های خود را به محرومان و فقیران قطع کند. این شخص با اینکه یک کشیش است ولی دیدگاه اقتصادی‌اش چنین است.

در اسلام یک رکن از ارکان اقتصاد اسلامی ایجاد عدالت است، لذا می‌بینیم در اقتصاد اسلامی برای نیازمندان سهم قاطعی در نظر گرفته شده است، «و فی الاموالهم حق معلوم للسائل والمحروم». در روایتی از امام صادق علیه السلام هست که خداوند بین ثروتمندان و نیازمندان مشارکت در اموالشان ایجاد کرده است، نیازمندان شریک ثروت ثروتمندان هستند. حتی در روایاتی که در مورد پرداخت زکات داریم تأکید شده است که باید بقدری پرداخت بشود که

فقیران را به افراد متوسط جامعه محلق کند. بنابراین در جامعه ایده‌آل اسلامی نه طبقه فقرا وجود دارد و نه طبقه ثروتمندانی که ثروت آنها بی‌حد و حساب و تک‌اثری باشد. ولی در جامعه سرمایه داری هیچ خلاف انتظار نیست که یک جامعه طبقاتی وجود داشته باشد، همچنانکه وجود دارد.

● اندیشه حوزه:

آنچه از کتابها و مقالات جناب عالی استفاده می‌شود این است که شما علاوه بر اینکه معتقد به نظام اقتصاد اسلامی هستید، قائل به امکان وجود علم اقتصاد اسلامی نیز می‌باشید در حالی که بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند علم اقتصاد علمی اثباتی است و ربطی به مکتب و مرام خاصی نمی‌تواند داشته باشد. در این رابطه مقداری توضیح دهید؟

■ حجة الاسلام مصباحی:

در اینکه مکاتب اقتصادی تحت عناوین سرمایه داری، سوسیالیسم و اسلام قابل تقسیم‌بندی هستند جای تردید نیست. اما آیا علم اقتصاد هم قابل تقسیم به این عناوین هست؟ به عبارت

دیگر آیا می‌توانیم بگوییم علم اقتصاد سرمایه‌داری، علم اقتصاد سوسیالیستی، علم اقتصاد اسلامی؟ در این جا یک دیدگاه این است که اصولاً علم اقتصاد یک علم اثباتی مانند ستاره‌شناسی یا ریاضیات است. اینکه محقق ستاره‌شناس ایرانی اروپایی یا آفریقایی باشد تأثیری در شناخت ستاره نخواهد داشت زیرا موضوع ستاره‌شناسی ربطی به مکتب‌ها، آیین‌ها، هنجارها و ارزشها نخواهد داشت، لذا به نظر این گروه برای علم اقتصاد هم مثل علم ریاضی و فیزیک پسوند اسلامی و غیراسلامی معنا ندارد. فرضهای این علم جهانی اند، در نتیجه مدلهای و الگوهای آن هم جهانی هستند.

رای دیگر این است که علم اقتصاد از جمله علوم انسانی و متعلق به رفتارهای اجتماعی خاصی از انسانها می‌باشد و رفتارهای اجتماعی انسانها بر خواسته از ارزشها و هنجارهای آنها است. لذا علم اقتصاد را نمی‌توان یک علم اثباتی در نظر گرفت. درست است که نگاه علم اقتصاد یک نگاه اثباتی است. یعنی نگاه ما به وقایع و رویدادهای اقتصادی و حقایق اقتصادی است اما این نگاه در

خلاً صورت نمی‌گیرد. ما اگر سخن از پیدایش تورم می‌کنیم، تورم در یک جامعه و مجموعه انسانی رخ می‌دهد. وقتی سخن از عرضه و تقاضا و تأثیر قیمت در آن دو به میان می‌آید و بحث بازار مطرح می‌شود روابط یک مجموعه انسانی مطرح است. انسانها هستند که دادوستد می‌کنند، انسانها در زندگی شان خالی از هنجارها و ارزشها نیستند. هنجارها و ارزشها هستند که به ما می‌گویند چه تولید کنیم و چه تولید نکنیم هنجارها و ارزشها هستند که مصرف چیزی را ترغیب و یا ممنوع اعلام می‌کنند. بنابراین پدیده‌های علم اقتصاد در بستری از ارزشها و هنجارهای پذیرفته و نهادینه شده شکل می‌گیرد.

اگر این دیدگاه را بپذیریم (که بنده معتقد به چنین دیدگاهی هستم)، ما علم اقتصاد محض نداریم بلکه علم اقتصاد همواره در بستر جامعه پدید آمده، یعنی پدیده‌های مورد مطالعه اقتصاد در یک جامعه روی داده و جامعه ناگزیر دارای زیر ساختهای فکری، اعتقادی و رفتاری است. جالب است که اقتصاددانها می‌گویند اقتصاد فروض خود را بطور عمده از روانشناسی گرفته است.

پس علم اقتصاد یک علم رفتاری است، عرضه یک رفتار است، تولید نیز یک رفتار است، حال روانشناسان نسبت به انسان چه دیدی دارند؟ آیا انسان را موجودی می‌دانند که آمده در این دنیا زندگی کند و به لذتهای خودش برسد و بعد هم با مرگ او همه چیز خاتمه پیدا کند؟ اگر موضوع روانشناسی رفتار چنین انسانی است، طبیعاً انتظاراتی که از این انسان و رفتارهایی که از او بروز می‌کند متفاوت از انسانی خواهد بود که تعریف دیگری دارد. حال آیا تعریف روانشناسی از انسان با تعریفی که دین از انسان دارد برابر است؟ اگر برابر نباشد نمی‌توانیم با دو تعریف متفاوت، روانشناسی یگانه داشته باشیم. نمی‌شود با دو فرض رفتاری متفاوت، علم اقتصاد یگانه داشته باشیم.

گرچه نگاه اثباتی است اما بستر هنجاری است. نگاه، عینی است اما زمینه، ذهنی است.

● اندیشه حوزه:

به نظر شما راه دستیابی به علم اقتصاد اسلامی چیست؟

■ حجة الاسلام مصباحی:

در این خصوص مرحوم شهید صدر «ره» دو راه را مطرح می‌کند. یک راه این که صبر کنیم یک جامعه کامل اسلامی تحقق پیدا کند سپس اقتصاددان این جامعه را مبنای کار خودش قرار داده و هر آنچه مربوط به رفتار اقتصادی افراد این جامعه می‌باشد، را مورد مطالعه قرار دهد، در آن صورت علم اقتصاد اسلامی تحقق پیدا خواهد کرد.

راه دیگر اینکه فرض کنیم یک جامعه اسلامی شکل گرفته (همانگونه که تئوری پردازان اقتصاد سرمایه داری فرضهای ایده آلی را در نظر می‌گیرند) و سپس ببینیم براساس این فرض چه پدیده‌ها و روابطی رخ می‌دهد.

شهید صدر فرض را در جامعه اسلامی روی بانک می‌برد و می‌گوید ما فرض می‌کنیم که این بانک براساس مضاربه کار می‌کند، یعنی صاحبان سرمایه، پول خودشان را به بانک داده و بانک را نیز وکیل می‌کنند که آن را در اختیار فناوران و صاحبان کار بگذارد. وی می‌گوید اگر چنین چیزی روی داد چند نتیجه ممکن است گرفته شود. یک

نتیجه این است که صاحبان وجوه نقد در این بانک سود می‌برند، چون سرمایه‌شان کار کرده است. صاحبان کار و کارآفرینان نیز سود کرده‌اند، بانک هم به عنوان وکیل واسطه، حق الوکاله می‌گیرد و سود می‌برد. بنابراین اگر بانکداری بدون ربا تحقق پیدا کرد اینطور نیست که بگوئیم کسانی که پول داده‌اند هیچ سودی نمی‌برند. ایشان در ادامه می‌گویند در یک چنین شرایطی اگر در بازار کالاها و خدمات رونق وجود دارد، در بازار پول هم رونق وجود دارد و اگر در بازار کالاها و خدمات رکود وجود دارد، در بازار پول هم رکود وجود دارد؛ پس این دو بازار به هم نزدیک شده‌اند و حال آنکه در اقتصاد سرمایه‌داری این دو بازار کاملاً جدا از هم هستند، ممکن است در بازار تولید کالاها و خدمات رکود باشد اما در بازار پول رونق.

ایشان اشاره می‌کنند که در چنین بازاری تورم بیست زیرا از آنجا که عرضه کالاها و خدمات ناشی از بکارگیری همان وجوه است، در نرخ بهره صفر سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد و حال آنکه در اقتصاد ربوی اگر رسیدند به نقطه بهره، دیگر پایین‌تر از آن سرمایه‌گذاری

صورت نمی‌گیرد. اینها نمونه مطالعه اقتصاد در یک عالمی است که ما آن را فرض کرده‌ایم.

● اندیشه حوزه:

یکی از پیش‌فرضهای مهم در باب اقتصاد مخصوصاً توسعه اقتصادی، نگاه مثبت به جهان دنیوی است و بی‌شک یکی از علت‌های توسعه اقتصادی در غرب نیز این نوع نگاه به جهان است. حال با توجه به اینکه عموماً ادیان را متهم می‌کنند به اینکه نگاه مثبت به آبادی دنیا ندارند بین این دو چگونه می‌توان جمع کرد؟

■ حجة الاسلام مصباحی:

در دوران قرون وسطی در اروپا این فکر القا شد که دین نگاه مثبتی به ثروت ندارد. البته دینی که در آن عصر در اروپا رواج داشت مسیحیت بود، و رهبانیت یکی از اجزاء تعالیم مسیحیت تحریف شده است. این تفکر طبعاً جوامع مسیحی را با جمود، رکود و بی‌تحریکی همراه کرده بود. این فرایند باعث شد که برخی فکر کنند دین و معارف آن، موجب رکود جامعه بشری و بی‌رونقی مادی است اگر بخواهیم به توسعه دست پیدا

کنیم باید دین را کنار بگذاریم.

اما آیا واقعاً دین نگاه‌اش به دنیا و مزایای مادی آن همین است؟ آیاتی که در قرآن آمده عکس این را به خوبی بیان می‌کند در یک آیه خداوند می‌فرماید:

«ولوان اهل القرى امنوا و اتقوا
لفتحنا عليهم برکات من السماء
والارض»

اگر اهل آبادیها، شهرها و روستاها دو کار انجام می‌دادند (یکی ایمان می‌آوردند و دیگری تقوی می‌داشتند)، ما درهای رحمت و برکات را از آسمان و زمین بر آنها می‌گشودیم. یعنی ایمان و تقوی نتیجه‌اش برکات مادی هم هست.

یک وظیفه هم خداوند به بشر واگذار کرده که در آیه ۳۰ سوره بقره به فرشتگان می‌فرماید: انى جاعلٌ فى الارض خلیفة» در آیه‌ای دیگر از قول حضرت شعیب به قوم اش می‌گوید ای قوم، خدا را عبادت کنید زیرا «انشأکم من الارض» او شما را از این زمین ایجاد کرده «واستعمرکم فیها» و شما به عمران و آبادانی زمین نیز مأمور کرده است. کدام دین چنین پیامی دارد که انسانها آفریده شده‌اند تا مأموران الهی برای آبادی زمین باشند. پس انسان

مسئول آبادانی زمین از جانب خداوند به عنوان خلیفه اوست.

در نهج البلاغه، علی علیه السلام در مورد حضرت آدم می‌فرماید «خداوند او را از بهشت به زمین فرستاد «لیعمر ارضه بنسله» که با نسل خویش زمین را آباد کند. این پیام حقیقی دین است، پس نگاه دنیا به آبادانی دین مثبت است.

در عهدنامه‌ای که علی علیه السلام به مالک اشتر نوشته از چهار وظیفه‌ای که بر عهده والی قرار می‌دهد. یکی آباد کردن سرزمینها است.

لذا جزء وظایف دولت دینی آبادانی کشور است.

● اندیشه حوزه:

جناب عالی برای آبادی و رفاه کشور به سخن علی علیه السلام استناد جستید و بی تردید به نظر آن حضرت یکی از کارهایی که والی برای آبادی سرزمین و توزیع مجدد درآمد باید انجام دهد جمع آوری مالیات است. در حالی که می‌بینیم با اینکه دو دهه از انقلاب اسلامی می‌گذرد هنوز دولت در جمع آوری مالیات مشکل جدی دارد، فکر می‌کنید علت ضعف از کجاست؟

■ حجة الاسلام مصباحی:

باشد. ما این اصل اعتماد بین دولت و مردم را فراموش کرده‌ایم. اگر اصل را بر این بگذاریم که مردم به وظایفشان عمل می‌کنند و فقط تخلفات گزارش شده را بررسی کنیم، در این صورت به نظر من نتایج بهتری دارد.

● اندیشه حوزه:

بی شک یکی از عوامل مهم در توسعه اقتصادی کشور اصلاح ساختار اقتصادی در جهت کاهش هرچه بیشتر وابستگی به درآمد نفت است. در نتیجه، بحث صادرات غیرنفتی و تقویت آن در جهت تحول در ساختار اقتصادی کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ولی متأسفانه هرازچندگاهی می‌بینیم که با افزایش و یا کاهش قیمت نفت و نیز نرخ ارز، این مسأله نیز دچار افت و خیزهایی می‌شود. تحلیل شما در این رابطه چیست؟

■ حجة الاسلام مصباحی:

با افزایش قیمت نفت صادرات غیرنفتی ما دچار تزلزل می‌شود، چون درآمد ارزی حاصل از فروش نفت چشم و گوش مدیران و مسئولین را پر می‌کند و احساس می‌کنند نیازها برطرف شده،

ما اول باید درباره فرهنگ مالیاتی در کشور کار کنیم، فرهنگ پرداخت مالیات در کشور ما به شدت ضعیف است. در دنیا کارها را معمولاً براساس فرهنگ‌سازی پیش می‌برند ما بدون اینکه فرهنگ‌سازی کنیم می‌خواهیم به صورت دستورالعمل کارها مان را پیش ببریم. دولت باید با مردم صحبت کند، مشکلات خودش را بگوید راه حل‌های این مشکلات را بیان کند و آثار مالیات را نشان دهد. البته در اقتصادهای پیشرفته هم اینطور نیست که هیچ مشکلی در جذب مالیات وجود نداشته باشد، به هر حال در جامعه ما این مشکل بصورت شدید جلوه گر است. من معتقدم یکی از چیزهایی که در فرهنگ مالیاتی مؤثر است مسأله اعتماد به مؤدیان مالیاتی است. دولت باید بنا را بر این بگذارد که پرداخت کنندگان مالیات قابل اعتمادند. در اظهار اینکه چقدر مالیات به آنها تعلق گرفته همان اظهارنامه مالیاتی که پر می‌کنند را مبنا قرار بدهد و بتدریج در سالهای بعد و دوره‌های بعد خطاها را اصلاح کند. در دیدگاه اسلامی گرفتن مالیات باید با رعایت شرایط اخلاقی

بنابراین مشوقهایی که برای صادرات غیرنفتی باید دنبال بشود رها می‌گردد. از جمله عواملی که صادرات غیرنفتی را در سالهای اخیر با مشکل مواجه کرده بالا بودن نرخ ارز است. بعضیها گمان می‌کنند بالا بودن نرخ ارز مشوق صادرات غیرنفتی است به اعتقاد من مانع صادرات غیرنفتی است زیرا مواد خام بسیاری از صادرات غیرنفتی باید وارد بشود. اگر قرار باشد مواد خامی که وارد می‌شود با نرخ ارز گران وارد بشود تولیدش با صرفه نیست، لذا صادراتش هم با صرفه نخواهد بود، بنابراین نرخ ارز در راستای محدود کردن صادرات غیرنفتی عمل کرده است.

● اندیشه حوزه:

فکر می‌کنید با همین وضعیت اقتصادی که داریم به لحاظ نظری و عملی، بتوانیم در عرصه بین المللی اقتصاد جای محکمی برای خودمان بازکنیم و با دیگر کشورها به رقابت برخیزیم؟

■ حجة الاسلام مصباحی:

تا وقتی که ما انسجام اقتصادی نداریم نمی‌توانیم با کشورهای دیگر به

رقابت بپردازیم و تولیدات ما در عرصه جهانی موقعیتی پیدا نخواهند کرد. قطعاً ما باید ابتدا سعی کنیم در داخل انسجام اقتصادی خودمان را بوجود آوریم و واقعاً مبنای تئوریک داشته باشیم. که مبنای منسجمی درباره دیدگاهها اقتصادی جامعه مان داشته باشیم، در این صورت می‌توانیم قدم اول را برای امکان رقابت با سایر رقبا برداریم.

● اندیشه حوزه:

نظر تان راجع به کمبود سرمایه و نیز ضعف مدیریت اقتصادی چیست؟

■ حجة الاسلام مصباحی:

به نظر بنده ما با منابع مالی که امروز داریم خصوصاً با منابع ارزی، مشکل کمبود سرمایه نداریم بلکه مشکل عدم توانایی مدیریت را داریم. الآن دولتهایی هستند که از بانکهای بین المللی و شرکتهای خارجی استقراض می‌کنند ولی، ما حدود ۲۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی داریم که یک مدیریت توانای اقتصادی می‌تواند به خوبی از این ذخیره ارزی استفاده بکند. شما فرض کنید ما این ۲۰ میلیارد دلار را قرض کردیم چگونه از آن استفاده می‌کنیم؟ بگوییم آیا

● اندیشه حوزه:

فکر می‌کنید دولت بتواند با طرح ساماندهی اقتصادی کشور بر مشکلات اقتصادی فائق آید؟

■ حجة الاسلام مصباحی:

تا جایی که بنده اطلاع دارم آن طرح ساماندهی اقتصادی اجمالاً به کنار نهاده شده چرا که ترکیب سه فکر در کابینه بود، یکی فکر آقای دکتر نمازی، و دیگری فکر رئیس بانک مرکزی آقای نوربخش، و سومی هم نظر معاون اجرایی رئیس جمهوری آقای محمد هاشمی که حالا سه نظر باهم ادغام شده و طرح ساماندهی اقتصادی را بوجود آورده بوده و بدلیل ناسازگاری این طرح تقریباً به کنار نهاده شد، البته بخشی از این طرح و روح آن در برنامه سوم توسعه آمده ولی بخش دیگر آن بطور کلی مغفول مانده که البته ممکن است در دوره جدید دولت محترم این طرح را بطور کامل و جامع دنبال کند.

باید هر مسافری که می‌خواهد به خارج برود تشویق کنیم که دو بار در سال سفر کند و هر بار چند هزار دلار به او بدهیم یا چمدانهای کالاهای تولید شده خارجی را اجازه بدهیم افزایش پیدا کند یا بخشودگی ۸۰ دلار از کالاهای همراه مسافر را به ۱۶۰ دلار افزایش دهیم؟! یا باید بینم کجا کمبود ارز برای مواد خام، ماشین‌آلات و خدمات نیروی انسانی خارجی است و ارز لازم را برای آنها تأمین کنیم؟ مثلاً الآن در تولید پارچه با فاجعه روبرو هستیم کارنجات تولید پارچه یکی پس از دیگری تعطیل می‌شود، به دلیل اینکه قدرت رقابت ندارند. این از دو حال خارج نیست یا ابزار و ماشین‌آلات آنها فرسود شده و یا مدیریت‌ها ضعیف است. هر کدام که باشد نیاز به اصلاح دارد. لذا به نظر می‌رسد که ما در اقتصاد قبل از آنکه مشکل سرمایه‌ای داشته باشیم، مشکل مدیریتی داریم.